

مربوط به صفحه ۴۵ قبل از اشکال چهارم حضرت امام

۶. [اللهم إلا أن يقال: مراد مرحوم نائینی در عبادت استیجاری آن نیست که آنچه متعلق عبادات استیجاری است، «صلاة مع قصد قربت» است. بلکه مراد ایشان آن است که «صلاة مع قصد نيابة» متعلق امر «أوفوا بالعقود»]

اشکال مرحوم خویی بر مرحوم نائینی:

مرحوم خویی ابتدا می‌نویسند وقتی ما تصور می‌کنیم که زید به نیابت از عمرو نماز می‌خواند، در اینجا ۴ امر تصور دارد:

۱. امر خدای سبحان به عمرو که «نماز خود را بخوان» (و این مختص به عمرو است)
۲. امر خدای سبحان به زید که «نماز خود را بخوان» (یعنی زید باید نماز خودش را هم بخواند) (و این مختص به زید است)
۳. امر خدای سبحان به زید که «از طرف عمرو (و به نیابت از او) نماز بخوان» (این یک امر مستحبی است که به همه مکلفین تعلق گرفته است و مستحب است که انسان از طرف پدر یا استاد یا مادر یا دوست و یا ... نماز بخواند - بدون اینکه اجاره ای در میان باشد -)
۴. امر خدای سبحان به زید که «به عقد اجاره وفا کن» (وقتی زید از طرف عمرو اجیر شده است که نیابة نماز بخواند)

مرحوم درباره این ۴ امر می‌نویسند که:

«امر اول به عمرو تعلق گرفته است و بس. و امر دوم به زید تعلق گرفته است و بس.»
اما امر سوم:

«ثم انه من الواضح جدا ان هذا الأمر الاستحبابی كما انه أجنبی عن الأمر الأول كذلك أجنبی عن الأمر الثاني، و لا يعقل لأحد دعوى اتحاده مع الأمر الأول أو الثاني»^۱

و اما امر چهارم:

«فهذا الأمر متعلق بعین ما تعلق به الأمر الاستحبابی، فان الأمر الاستحبابی - كما عرفت - متعلق بإتيان العبادة نيابة عن الغير، و المفروض ان هذا الأمر الوجوبی متعلق بعین ذلك، فلا فرق بينهما

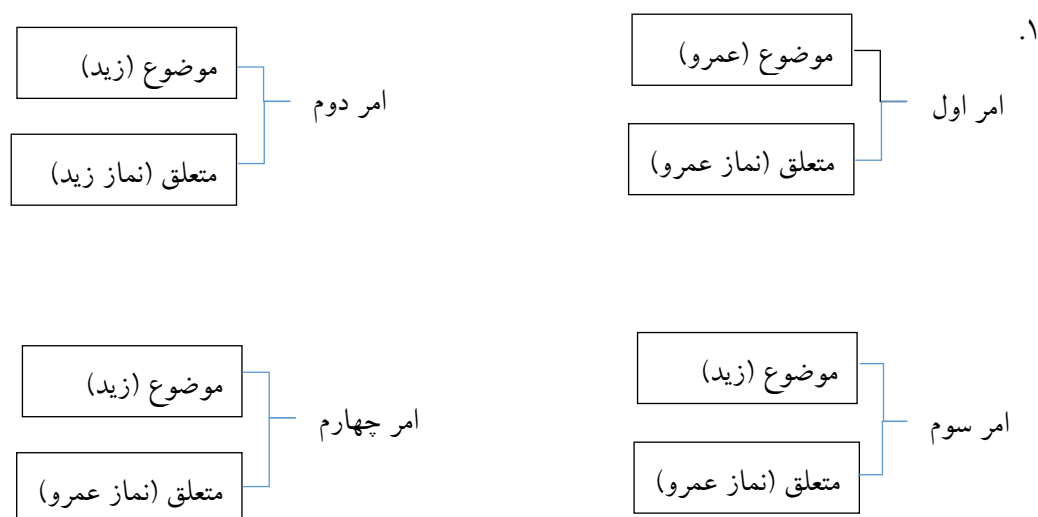
۱. محاضرات فی الاصول، ج ۴، ص ۳۲۰



من هذه الناحية أبداً و على هذا فلا بد من الالتزام باندكاك أحد الأمرين في الآخر و اتحادهما في الخارج، ضرورة انه لا يمكن بقاء كلا الأمرين بحده بعد فرض كون متعلقهما واحداً وجوداً و ماهية، فلا محالة يندك أحدهما في الآخر، و يتحصل منهما امر واحد وجوبى عبادى، فان كل منهما يكتسب من الآخر جهة فاقدة له، فيكتسب الأمر الوجوبى من الأمر الاستحبابى جهة التعبد، و يكتسب الأمر الاستحبابى من الأمر الوجوبى جهة اللزوم، و هذا معنى اندكاك أحدهما في الآخر و اتحادهما خارجاً .

و قد تحصل من ذلك ان الأمر الرابع يتحد مع الأمر الثالث، لاتحادهما بحسب الموضوع و المتعلق، و لا يعقل اتحاده مع الأمر الأول أو الثانى لاختلافهما في الموضوع أو المتعلق، كما عرفت .^۱

توضیح:



۲. ادغام امرها در یکدیگر در جایی است که هم موضوع و هم متعلق یکسان باشند. پس امر سوم و چهارم در یکدیگر ادغام می شوند و بس.

ما می گوئیم:

ماحصل فرمایش مرحوم آن است که:

۱. امر سوم و امر چهارم دارای متعلق و موضوع واحد هستند (موضوع آنها زید است و متعلق آنها، نماز (به نیابت از عمرو) است) و این دو در هم ادغام می شوند و یکی از دیگری «قصد قربت» را کسب می کند و دیگری از آن، وجوب را کسب می کند.

۱. همان



۲. اما اصلاً امر اول و امر چهارم در یکدیگر ادغام نمی‌شوند (به خلاف مرحوم نائینی که این دو امر را در یکدیگر ادغام می‌کردند) چرا که امر اول و امر چهارم به دو نفر مختلف (موضوع‌های مختلف) تعلق گرفته‌اند.

۳. امر دوم و امر چهارم هم در یکدیگر ادغام نمی‌شوند (که این را البته مرحوم نائینی ادعا نکرده بودند) چرا که دارای متعلق‌های مختلف هستند (اگرچه موضوع هر دو زید است ولی یکی به نماز زید تعلق گرفته است و یکی به نماز عمرو)

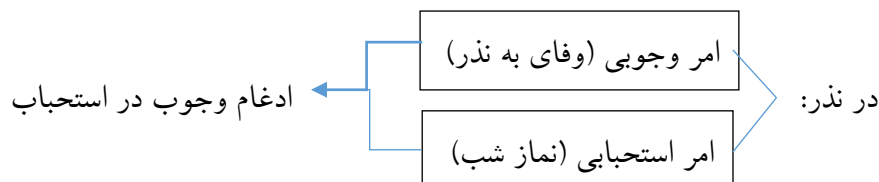
۴. مرحوم خویی همچنین از این سخن خود نتیجه می‌گیرند که امر چهارم اصلاً وابسته به امر اول نیست و لذا حتی اگر امر اول ساقط شده باشد (مثلاً با مرگ عمرو)، باز امر چهارم باقی است.

۵. ایشان همچنین اشکال دیگری را متوجه مرحوم نائینی می‌کنند و می‌فرمایند «فرق گذاشتن بین نذر و اجاره» صحیح نبوده است:

«و علی هدی هذا البیان قد تبین انه لا فرق بین موارد الإجارة المتعلقة بعبادة مستحبة، و موارد النذر المتعلقة بها، فکما ان فی موارد النذر يتحد الأمر الاستحبابی مع الأمر الوجوبی الناشئ من قبله، فکذلک فی موارد الإجارة غاية الأمر انه فی موارد النذر يتحد الأمر الاستحبابی المتعلق بذات العبادة مع الأمر الوجوبی، لفرض انه متعلق بها، کما عرفت و فی موارد الإجارة يتحد الأمر الاستحبابی المتعلق بإتيانها من قبل الغير و نيابة عنه مع الأمر الوجوبی الناشئ من قبل الإجارة، لا الأمر الاستحبابی المتعلق بذات العبادة، و لكن هذا لا یوجب التفاوت فیما هو المهم فی المقام، کما هو واضح»^۱

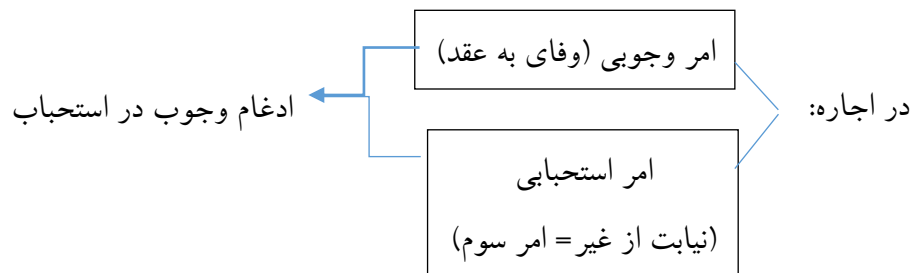
توضیح:

۱. فرقی بین مثال بحث نذر و بحث اجاره نیست چرا که:



۱. همان، ص ۳۲۳





۳. [مرحوم نایینی امر استحبابی را در مورد اجاره تصویر نکرده بود]

ما می‌گوییم:

۱. درباره این سخن مرحوم خویی، می‌توان گفت که اشکال‌های حضرت امام که بر اصل فرمایش مرحوم نایینی وارد شده بود در اینجا هم وارد است.
اولاً: متعلق وفای به عقد (امر چهارم) اصلاً «نماز عمرو» نیست و متعلق امر سوم هم «نیابت» است، نه آنکه «نماز عمرو» متعلق امر سوم باشد.
ثانیاً: ادغام و کسب دارای معنی معقول نیست.

